کاغذ اخبار

«ملاقات خصوصی» هوتن شکیبا

همزمان با آغاز فیلمبرداری فیلم‌سینمایی «ملاقات خصوصی» هوتن شکیبا و پریناز ایزدیار جلوی دوربین فرشاد محمدی رفتند. به گزارش جام‌جم، ملاقات خصوصی فیلمی به کارگردانی امید شمس است که تهیه‌کنندگی آن را امیر بنان به عهده دارد. بنان این روزها به عنوان تهیه‌کننده، فیلم خورشید به کارگردانی مجید مجیدی را در اکران آنلاین دارد. به جز پریناز ایزدیار و هوتن شکیبا، ریما رامین فر هم یکی از بازیگران اصلی ملاقات خصوصی است. فیلمنامه فیلم هم که به‌صورت مشترک توسط امید شمس و علی سرآهنگ نوشته شده، روایتگر داستانی عاشقانه است. بهمن ارک، یکی از دو کارگردان فیلم تحسین شده «پوست» هم به عنوان مشاور کارگردان در این پروژه سینمایی حضور دارد و علی مجیدی نیز سرمایه‌گذار فیلم است. برخی دیگر از عوامل ملاقات خصوصی عبارتند از: طراح صحنه: امیرحسین قدسی، طراح لباس: سارا خالدی، طراح گریم: عباس عباسی، صدابردار: مهدی ابراهیم زاده، مدیر تولید: اسماعیل کلبی آبادی، دستیار یک و برنامه‌ریز: علی درخشنده، عکاس: محمد بدرلو، مشاور رسانه‌ای: منصوره بسمل، بازنویسی فیلمنامه: امید شمس، بهمن ارک، نادره سادات سرکی.

حضور پررنگ طلاب در یک جشنواره سینمایی

نخستین جشنواره فیلم صالح که به‌تازگی با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد، با حضور و مشارکت پررنگ طلاب همراه بود. به گزارش جام‌جم، در این جشنواره که با موضوعاتی چون سیره و نحوه شهادت امامزاده صالح(ع)، تاریخ ساخت بقعه مبارکه ایشان، کرامات حضرت صالح‌بن موسی الکاظم (ع) از جمله تغییر و تحول سرنوشت زائران و مجاوران حضرت و... برگزار شد، حدود ۴۰۰ اثر اعم از فیلم کوتاه مستند و داستانی به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که بیشتر آنها آثاری از طلاب علوم دینی بود و خود طلبه‌های جوان از صفر تا صد فیلم‌ها همچون تدوین، صدابرداری، کارگردانی و... را به عهده داشتند. داریوش ارجمند، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون که از چهره‌های حاضر در مراسم اختتامیه بود، درباره اهمیت هنر و سینمای دینی سخنانی را بیان کرد و گفت: چقدر خوب است که کارهای هنری را به این مکان‌ها (صحن امامزاده صالح (ع)، محل برگزاری مراسم اختتامیه) کشاندید، چرا که کار هنری در دامن روشنفکرها راه به جایی نمی‌برد. در حقیقت، اگر هنرمند مزین به بارقه‌ای از انوار الهی نباشد، کارش بی‌ارزش است. اینجا هنرمندان در سایه‌ای قرار می‌گیرند که نفس مردم آن را زنده نگه داشته است. حجت‌الاسلام احسان بی‌آزار تهرانی، نادر طالب‌زاده، حجت الاسلام والمسلمین سیدمهدی خاموشی، مهدی کیاسری و فرهاد قائمیان از جمله افراد حاضر در مراسم پایانی اولین جشنواره فیلم صالح بودند.

آغاز مراحل فنی «کانیبال»

فیلم کوتاه کانیبال به کارگردانی و تهیه‌کنندگی صبا تاجیک با پایان‌گرفتن فیلمبرداری، آماده انجام مراحل فنی شد. به گزارش جام‌جم، کانیبال درون مایه‌ای اجتماعی دارد و روایتگر افکار و عواطف دلالان مرگ و تباهی است. قصه فیلم درباره چند جوان است که درگیر مخمصه‌ای می‌شوند و هر کدام برای رهایی از مشکل، تصمیم متفاوتی می‌گیرند. سهند کرجالیان، آرمین حقانی، نیلوفر صادق‌وند، مهسا جهانی و محمدمهدی پورصالح بازیگران این فیلم کوتاه هستند. دیگر عوامل تولید این فیلم عبارتند از: آریا قائم‌مقامی، دستیار کارگردان؛ حسین تقدسی، مدیر تصویربرداری؛ محمد غلامی مدیر نورپردازی؛ بهنام حقانی، مدیر صدابرداری؛ محراب جلال‌نیا، دستیار صدا؛ ساغر کوچک‌زاده و منیر صمدانی ،چهره‌پردازان؛ سعید نوری‌زاد، عکاس پشت‌صحنه؛ مهران محمودی و مرتضی محمودی، فیلمبرداران پشت‌صحنه؛ امیرحسین یقین‌علی، مدیر تدارکات.

«جانشین» عبدا... علیمراد آمد

تازه‌ترین انیمیشن عبدا... علیمراد با نام «جانشین» در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساخته شد. روابط‌عمومی کانون این خبر را منتشر کرد و از قول علیمراد نوشت: تکنیک این اثر، عروسکی تک‌فریم یا به عبارتی استاپ‌موشن است که با روش دیجیتالی فیلمبرداری شده و ۱۵دقیقه است. این انیمیشن برای گروه سنی ۵سال به بالا ساخته‌شده و به ورود ماشین به زندگی انسان‌ها می‌پردازد.

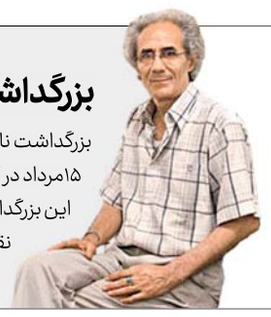

بزرگداشتی برای نامی پتگر

بزرگداشت نامی پتگر توسط سوزان وزیری یکی از شاگردان این هنرمند فقید، ساعت۱۷ جمعه ۱۵مرداد در گالری گل‌های داوودی برگزار خواهد شد. مدیر روابط‌عمومی این برنامه خبر داده که در این بزرگداشت علاوه بر سخنرانی هنرمندان پیشکسوت و جوان، مجموعه از انواع آثار پتگر ازجمله نقاشی، مجسمه، جواهرات، سفال و سرامیک به نمایش درمی‌آید.

در دوره شروع ویروس کرونا فروش کتاب‌های کاغذی با مشکلات جدی روبه‌رو شد

عکس: ایبنا
محدثه قطب‌الدین

کرونا برای کتاب خیر داشت؟

اگر این ویروس کوچک به خیلی‌ها ضرر زد، برای بعضی از اهالی کتاب منفعت داشت

«صنعت نشر ایران را می‌توان به بعد و قبل از کرونا تقسیم کرد.» این باور یکی از فعالان قدیمی صنعت نشر ایران است که فرازونشیب‌های زیادی را به چشم دیده است. کرونا همان‌طور که خطر تعطیلی برای بعضی از کتابفروش‌ها داشت، موجب شد آمار استفاده از کتاب‌های دیجیتال و صوتی افزایش چشمگیری پیدا کند. با این حال باید برای زندگی ناپایدار ناشرانی که درگیر تهیه کاغذ و گرانی‌های چاپ هستند، چاره‌ای اندیشید. کرونا که آمد و تعطیلی‌ها و خانه‌نشینی‌ها که شروع شد، دوباره موضوع کتاب به صدر اخبار آمد. عده‌ای از کتابفروشان سنتی که فقط باید حضوری سراغشان می‌رفتی بدون هیچ تعارفی، میزان فروش‌شان افت کرد و حتی خبر تهدید تعطیلی‌شان به گوش رسید اما همیشه در یک اتفاق مشترک همه به یک اندازه آسیب نمی‌بینند و چه بسا بعضی‌ها مصداق عدو شود سبب خیر می‌شوند.

حورا نژادصداقت
جام‌جم

تهوری: صنعت نشر ایران را می‌توان به قبل و بعد از کرونا تقسیم کرد. کرونا تهدیدی بود که عده‌ای توانستند از آن استفاده کنند و یک عده هم با عدم استفاده ضرر کردند

شکایت کردن که کار همیشگی خیلی از ماست اما از همان روزهای شروع کرونا، برخی کتابفروشی‌ها و مراکز فروش آنلاین کتاب اتفاقا میزان فروش‌شان بیشتر شد؛آن‌قدر که در پست‌های اینستاگرامی‌شان خبر می‌دادند گرچه کرکره فروشگاه‌مان پایین است و کاغذ بزرگ «تعطیلی به خاطر کرونا» روی در نصب شده اما همین چند نفر نیرویمان بیشتر و فشرده‌تر از قبل مشغول کار هستند تا بتوانند فهرست درخواستی مخاطب‌ها را پاسخ بدهند، کتاب‌های موجودشان را جدا و بعد با پست راهی خانه‌هایشان کنند. نمونه‌اش کتابفروشی آموت، اسم و... . بعضی از سایت‌های معتبر آنلاین هم دست‌کمی از این نداشتند. در همان روزها، مثلا «کتابخون» میزان فروشش بیشتر از سال‌های گذشته شده بود و بروبیای پخشی‌ها و اهالی پست در دفترش بازار گرمی را برایشان فراهم کرده بود. پیام‌های رضایت مخاطبان هم نشان می‌داد از نوع خدمات و نحوه ارسال آثارش راضی هستند و چه بهتر از این؟ مهم این بود که بعضی‌ها بلد بودند چطور خودشان را با شرایط جدید وفق دهند؛ ارسال رایگان کتاب، تأمین کتاب‌های مورد علاقه مخاطب‌هایشان، پاسخگویی‌های سریع، در دسترس گذاشتن چند شماره برای پشتیبانی محصولات و تداوم حیات در دوره کرونا.

آمار در آن روزها و حتی در همین روزهایی که به پیک‌های کرونایی عادت کرده‌ایم، عجیب است. یعنی در کنار تمام آن حرف‌های روشن که میزان فروش کتابفروشی‌های به‌روز و پخشی‌های منعطف افزایش یافته بود، عدد و رقم‌های نگران‌کننده کم نبود. مثلا در ۲۵فروردین۱۳۹۹ وزیر فرهنگ و ارشاد نامه‌ای جداگانه به معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس دفتر رئیس‌جمهور و دیگران ارسال و مساعدتی برای اهالی فرهنگ و هنر درخواست می‌کند. او در نامه‌اش گفته بود میزان خسارت کسب وکارهای بخش فرهنگی ۳۴۷میلیارد و ۵۷۵میلیون و بخش فعالیت‌های رسانه‌ای و تولید محتوای دیجیتال ۲۷۸میلیارد و۲۰۰میلیون تومان است.

در مقابل، درست دو روز بعد یعنی در ۲۷فروردین همان سال در ایبنا خبری منتشر شد که در ۲۰روز نخست همان سال با همکاری وزارت ارشاد بیش از ۲۳۶هزار نسخه کتاب الکترونیک با ارزشی حدودا ۲۶میلیارد ریالی فروخته شده است. این عدد و رقم بر اساس آماری بود که از طریق فروش کتاب‌های دیجیتال در پلتفرم‌های کتابخوانی طاقچه، فیدیبو، کتابراه، نوار، کتابیکا، پژوهان و فراکتاب به دست آمده بود. حالا سوال این است که آیا کتاب صوتی و دیجیتال، یعنی هر اثری که از طریق پلتفرم‌ها به دست مخاطب می‌رسد، پرفروش‌تر از کتاب‌های چاپی است؟

دیگر دوره بحث کردن نیست

خیلی واضح است که دیگر وقت آن بحث‌های قدیمی نیست که چرا کتاب دیجیتال؟ چرا کتاب صوتی؟ تا همین چند سال پیش بعضی‌ها هنوز هم سر همین موضوعات دعوا داشتند که با نسخه الکترونیک، کتاب‌ها دیگر نه بوی کاغذ می‌دهند و نه نمی‌توان آن را در دست گرفت و ورق زد، امروز خیلی‌ها حتی آنها که اهل شنیدن نبودند، دست از این جنگ برداشته و خودشان هم رو به عرضه متفاوت آثارشان آورده‌اند.

این را در تعدد نام ناشران در لیست پلتفرم‌های عرضه دیجیتال آثار و تولیدکنندگان کتاب‌های صوتی می‌توان یافت. مثلا همین نوین کتاب گویا که از ۱۴ سال پیش به‌طور تخصصی کار تولید کتاب صوتی را شروع و راه را برای بسیاری از تولیدکنندگان این عرصه باز کرد، اکنون بیش از هزار عنوان کتاب صوتی دارد که اسم ناشران و مولفان و مترجمان متعددی را می‌توان در لیست آثارش دید و این یعنی رو آوردن ناشران کوچک و بزرگ به کتاب‌هایی که به‌جای خواندن می‌توان آنها را شنید؛ حالا چه نشر مرکز و قطره و ققنوس باشد و چه نشرهای کوچک‌تری که می‌خواهند از همان ابتدای کار نظر تمام مخاطبان‌شان را جلب کنند؛ چه آنهایی که افرادی سمعی هستند و شیفته شنیدن و چه آنهایی که بصری هستند و کتاب فقط و فقط باید جلوی چشم‌شان باشد تا دقیق متوجه آن شوند. دوباره برویم سراغ آمار و ارقام که آیا واقعا استقبال از کتاب‌های دیجیتال و صوتی در این یکی دو سال به دلیل کرونا و خانه‌نشینی‌ها بیشتر از گذشته شده یا خیر؟

همین چند روز پیش بود که دو پلتفرم فیدیبو و طاقچه آمار مربوط به فروش کتاب‌هایشان را در سال ۹۹ اعلام کردند. نتایج و اعداد شگفت‌آور بود! برای ما که عادت به شنیدن عددهای ناچیزی برای سرانه مطالعه ایرانی‌ها داریم، جای تعجب دارد اگر بدانیم در سال۹۹ میانگین مطالعه کاربران اپلیکیشن فیدیبو روزی هشت ساعت خواندن کتاب الکترونیک و پنج ساعت گوش‌دادن به کتاب‌های صوتی بوده است. فیدیبو از سال۹۲ فعالیتش را آغاز کرده است؛ یعنی نه عمرش خیلی طولانی است و نه خیلی کوتاه اما توانسته برخی اعداد آماری معمول در حوزه کتاب را تغییر دهد. عجیب‌ترین عدد این پلتفرم مربوط می‌شود به ۳۱ فروردین ۱۳۹۹. در آن روز، ۲۷هزار ساعت کتاب در فیدیبو شنیده شده است. روز ۱۴ فروردین همین سال هم کاربران فیدیبو ۵۸هزار ساعت مطالعه کرده‌اند.

حالا شاید بعضی‌ها بگویند این آمار فقط برای یک پلتفرم است و نمی‌توان گفت با یک گل بهار می‌شود و ... اما آمار سال ۹۹ اپلیکیشن طاقچه هم دست‌کمی از فیدیبو ندارد.

کتاب چاپی نابود نمی‌شود، اگر...

اعداد و ارقام بالای فروش کتاب‌های صوتی در ایام دلسردکننده کرونا دل خیلی‌ها را گرم نگه‌داشت. اما ناشرها چه؟ همان‌ها که اگر نباشند، نه کتاب دیجیتالی وجود خواهد داشت و نه کتابی برای صوتی شدن. اصلا در این‌جور وقت‌ها باید به آن خبرهای انتشار و تجدیدچاپ‌ها دل خوش کنیم یا از آن کم‌کار شدن ناشران تازه‌کار دلنگران شویم؟ هرچند، تازه‌کار داریم تا تازه‌کار. مثلا ناشری که از همان سال ۹۹ کارش را شروع کرده وضعیتش خیلی سخت‌تر از ناشری است که دو سه سال قبل‌تر مجوز گرفته و با هزار بالاوپایین فرسایشی آثارش را به ۳۰ یا ۴۰ عنوان رسانده، بلکه در نمایشگاه کتاب شرکت کند و مخاطبش را بیابد؛ همان نمایشگاه کتاب هم که با کرونا به باد فنا رفت، برگزار نشد و وقتی هم مجازی برگزارش کردند، در پاندولی از خبرهای خوب و بد در نوسان بود. بعضی‌ها فروش‌شان دور از انتظارشان بود و بعضی دیگر اصلا دیده نشدند و عده‌ای از مخاطب‌ها پوست‌شان کنده شد تا به کتاب‌شان برسند و عده‌ای دیگر تا مدت‌ها هر روز پستچی زنگ خانه‌شان را می‌زد و تک‌به‌تک لیست کتاب‌هایشان را تکمیل می‌کرد. حتما تلاش‌کردن بهتر از دست روی دست گذاشتن است اما هیچ‌کدام از اینها باعث نمی‌شود که خبرهای نگران‌کننده برای ناشران تازه‌کار کمتر شود.

احمد تهوری، مدیر نشر آفتابکاران که از سال‌های جوانی در کار کتاب و چاپ بوده است درباره تاثیر کرونا بر فروش کتاب می‌گوید: «صنعت نشر ایران را می‌توان به قبل و بعد از کرونا تقسیم کرد. کرونا تهدیدی بود که یک عده توانستند از آن استفاده کنند و یک عده هم با عدم استفاده ضرر کردند. غیر از آنهایی که صرفا وابسته به فروش فیزیکی کتاب بودند، باید گفت ناشران تازه‌کار بیشترین آسیب را دیدند. چون صنعت نشر در ایران همچنان وابسته به دولت است. افزایش قیمت کاغذ و چاپ کتاب باعث شد این دسته از ناشران که فروش اصلی و شناخته‌شدن‌شان بیش از همه وابسته به نمایشگاه کتاب باشد، بیشترین آسیب را ببینند.»

این تهدیدها کم‌اهمیت نیستند. اگر ناشری نباشد، اگر ناشران با این قیمت بالای کاغذ امکان چاپ کتاب نداشته باشند، اگر به‌جای نمایشگاهی که هزاران‌قلت بر آن وارد بود، هیچ راهکاری برای معرفی بهتر و بیشتر ناشران صورت نگیرد، آن آمار بالای خوشحال‌کننده پلتفرم‌ها نیز رو به افول می‌رود.

افزایش گرایش به کتاب‌های روان‌شناسی صوتی، نشان از تغییر ذائقه مخاطب در بحران‌هاست

جامعه بحران‌زده، ادبیات را انتخاب نکرد

فاطمه محمدی از سال ۸۶ موسسه نوین کتاب گویا را تاسیس کرد تا به شکل تخصصی اولین گام‌های مهم در تولید کتاب صوتی را بردارد. از آن سال تاکنون بیش از هزار عنوان کتاب در این موسسه منتشر شده و بسیاری از گویندگان و آهنگسازان معتبر برای تولید آثار حرفه‌ای تلاش کرده‌اند. برای بررسی تاثیر کرونا بر افزایش فروش کتاب صوتی به سراغ او رفتیم تا بدانیم که چرا میل به شنیدن در ما افزایش یافته و چرا گرایش به کتاب‌های روان‌شناسی در این مدت بیشتر شده است.

می‌گویند در دوران کرونا و خانه‌نشینی‌ها میل به شنیدن، چه در کتاب صوتی و چه پادکست، زیاد شد. آیا این ادعا درست است؟

پیشرفت تکنولوژی و در دسترس قرار گرفتن ابزارهای شنیداری، مثل گوشی‌های همراه و تبلت، و همین‌طور فراگیر شدن اینترنت و بسترهای عرضه دیجیتال محصولاتی مانند کتاب گویا، در واقع کتاب صوتی در جیب و کیف هر کسی ورود پیدا کرده است. حالا این امکان وجود دارد و به نسبت سال‌های اندکی که از شروع جدی فرآیند تولید کتاب گویا می‌گذرد، تعداد و تنوع قابل قبولی از کتاب‌های گویا در دسترس هستند. اما فراگیری کرونا، شرایطی را ایجاد کرد که انجام بسیاری از فعالیت‌ها امکان‌پذیر نبود و خیلی از آدم‌ها، به‌ویژه آنها که عادت ندارند وقت‌شان را به بطالت بگذرانند، شنیدن کتاب را برای گذران وقت و یادگیری انتخاب کرده‌اند. طبیعی است که در دوران کرونا، مشتاقان کتاب گویا نسبت به قبل، بسیار بیشتر شد و حتی خیلی از افراد در همین دوره کرونا با کتاب گویا آشنا شدند.

به نظرتان چرا میل به شنیدن در ما زیاد شده است؟ چون مثلا استقبال از اپلیکیشن‌هایی مثل کلاب‌هاوس هم خیلی زیاد بود. ظاهرا اتفاقی در ما انسان‌های این قرن در حال رخ دادن است که میل به شنیدن داریم.

شاید دلیل اصلی آن، فراگیر شدن ابزارهای شنیداری- اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری- باشد. اما در پاسخ اشاره شما به کلاب‌هاوس، چیزی که به نظر من می‌رسد، این است که جامعه ما از کمبود گفت‌وگو در رنج است و در شرایطی که فضاهای مناسب برای شکل گرفتن گفتمان روز به روز کمتر شده، ناگزیر یک فضای مجازی مانند کلاب‌هاوس می‌تواند برای انسان امروزی یک موهبت باشد، با حاشیه امن قابل توجه. راحتی حضور در جمع افرادی که بنا به مقتضیات زیرساخت، براساس سلایق مشابه کنار هم گرد آمده‌اند، موقعیت جذاب و خوشایندی است که آدم‌ها را به خود جلب می‌کند.

در نوین کتاب گویا، میزان استقبال مخاطب‌ها از کتاب صوتی در این روزهای کرونایی چقدر افزایش یافت؟

در دوره‌هایی، این استقبال بیش از سه چهار برابر شد، اما حالا که کمی به روال تثبیت‌شده رسیده، تقریبا دو برابر قبل است.

آمارها نشان می‌دهد گرایش‌های مخاطبان در ایام کرونا متفاوت با قبل بود. مثلا استقبال از کتاب‌های روان‌شناسی و خودشناسی افزایش یافت. آیا شما هم در نوین کتاب چنین تغییر گرایشی را تجربه کردید؟

بله، همین‌طور است. متاسفانه یا خوشبختانه‌اش را به مخاطبان واگذار می‌کنم. اما شاید احساس نیاز به این آثار بیشتر شده یا شرایط جامعه، افراد را به سمت این باور سوق داده که ادبیات به درد جامعه بحران‌زده نمی‌خورد و متعلق به دوران شکم‌سیری و رفاه است.

کتاب‌های صوتی مثل کتاب‌های چاپی گاهی باکیفیت‌اند و گاهی استانداردهای لازم را ندارند. اما به نظر می‌رسد این اطلاع‌رسانی‌ها کامل نبوده. ما برای خرید یک کتاب صوتی به چه ویژگی‌هایی باید توجه کنیم؟

عنوان خوب، نویسنده و مترجم خوب، ناشر خوب، راوی خوب و تدوین خوب. این موارد هستند که کیفیت یک اثر شنیداری را تعیین می‌کنند.

با وجود افزایش علاقه به کتاب صوتی، چرا هیچ جشنواره تخصصی در زمینه ارزیابی و معرفی بهترین‌های این حوزه شکل نگرفته است؟

بیینید، با وجود این‌که سال‌هاست کتاب گویا در ایران تولید و منتشر می‌شود، اما تنها در سه چهار سال اخیر بوده که کتاب گویا تا حدودی جایگاه خود را پیدا کرده و مسیر درست را پیش گرفته است. اما متاسفانه، تولید و انتشار کتاب گویا هم مثل خیلی چیزهای دیگر، زیر نظر و وابسته به نهادهای دولتی و حکومتی است و تشکیل صنف و سندیکا برای چنین مواردی، کار ساده‌ای نیست. بنابراین وقتی از یک سمت، اراده‌ای از طرف متولیان برای شکل‌گیری چنین جشنواره‌هایی وجود ندارد- جشنواره‌هایی که در دنیا پیشینه‌های چندین دهه دارند - و از سمت دیگر بخش‌های خصوصی هم امکان چندانی برای راه‌اندازی این جشنواره‌ها ندارند، اوضاع چنین خواهد بود. با این حال ظهور چنین جشنواره‌هایی در آینده نه چندان دور، نه‌تنها محتمل که ضروری به نظر می‌رسد.